



این است دمکراسی ؟

تظاهرات و اعتراضات عمومی علیه سران جامعه اروپا و حضور رئیس جمهور آمریکا در شهر گوتنبرگ سوئد توسط پلیس به خون کشیده شد. یک جوان تظاهر کننده از ناحیه شکم و دو تن دیگر از ناحیه پا مورد اصابت گلوله پلیس قرار گرفتند. درگیریهای شهر گوتنبرگ از چند جنبه قابل تعمق است که البته مهمترین آن خواستهای تعداد زیادی از طبقات و اقشار مختلف مردم در زمینه سیاستهای اقتصادی جامعه اروپا و سیاست زیست محیطی توسط ایالت متحده بود که در این مدت بطور وسیع مورد بحث و مبادله قرار گرفت. اما یکی دیگر از جنبه های چند روز درگیری گوتنبرگ افشاگری چهره دمکراسی غربی نیز بود.

عموما سوئد در میان کشورهای غربی و افکار عمومی دنیا به کشوری با سیاست باز و لیبرال مشهور است و بارها بعنوان نمونه بارز دمکراسی غربی مثال زده میشود، اما در پس این چهره دمکرات سوئد نیز همانند دیگر کشورهای سرمایه داری جز فریب و نیرنگ و پلیسی خشن ضد دمکرات چیزی پنهان نبود. دمکراسی در سوئد نیز همانند هر نظام سرمایه داری دیگر محدود، کنترل شده و تنها برای عده ای معدود که خود صاحب همه چیز در جامعه هستند معنی میدهد. درگیریهای شهر گوتنبرگ نشان داد که لیبرال مآبی سوئد در گفتگو با تظاهرکنندگان نیز تنها ژست بی اساسی بود که نتوانست کسی را بفریبد. محدود کردن تظاهرات کنندگان و ممانعت از ورود بخش عظیم تظاهرات کنندگان و نمایندگان آنها از همان اول دال بر کنترل

بقیه در صفحه ۶

چرا در اول ماه مه، خواستار تظاهرات مستقل شدیم !

ما در نوشته ها ، اطلاعیه ها و تراکت هائی که تاکنون در رابطه با اول ماه مه روز جهانی کارگر منتشر کرده ایم رؤس کلی درخواست ها و نحوه مبارزه برای رسیدن به آنها را بیان کردیم و نیز شعار ها و مطالباتی که در راه پیمانی روز اول ماه مه در داخل کشور باید مطرح شوند و ما همچنین از رفقای خود در خارج کشور و نیز از کلیه ایرانیان مقیم خارج دعوت کردیم تا امسال به نحو گسترده تری در تظاهرات اول ماه مه در کشورهای محل اقامت خود شرکت کنند و مطالبات طبقه کارگر ایران را به گوش کارگران و افکار عمومی متمدنی کشور و شهر محل اقامت خود برسانند و سعی کنند پشتیبانی آنها را از مبارزات کارگران ایران جلب بنمایند .

بقیه در صفحه ۶

دوازدهمین کنفرانس بنیاد پژوهشهای زنان در استکهلم برگزار شد!

دوازدهمین کنفرانس پژوهشهای زنان امسال در شهر استکهلم سوئد با همت و یاری زنان مبارزی همچون لیلا قرائی ، هایده درآگاهی ، پروانه بحری ، شهین حیدری ، مریم سجادی ، اعضای کمیته سوئد بنیاد، برگزار شد.

این کنفرانس به مدت سه روز از روز جمعه پانزدهم یونی آغاز و یکشنبه هیفدهم به پایان رسید. با توجه به اهمیت این کنفرانس ها در گسترش مبارزه برابری طلبانه زنان، در زیر گزارش کوتاهی از جریان این کنفرانس را به

بقیه در صفحه ۵

سالگرد جانباختن سعیدسلطانپور!



مراسمهای بیستمین سالگرد سیام خرداد و یادمان شاعر انقلابی سعید سلطانپور از طرف واحدهای سازمان در آلمان استرالیا سوئد هلند ودرکانادا از سوی کمیته برگزاری یادمان سعید سلطانپور، برنامه های متنوع برگزار میگردد. زمان و مکان مراسم ها متعاقبا به اطلاع عموم خواهند رسید. همه ایرانیان مبارز و مقیم خارج از کشور را به شرکت در این مراسم ها دعوت میکنیم

در آستانه « انتخابات » صنفی طبقات و چشم انداز آینده و سرنوشت آزادیهای فردی و اجتماعی

قسمتهائی از سخنرانی رفیق یدی در آستانه برگزاری « انتخابات » ریاست جمهوری از چند ماه پیش به این طرف ، هرچه به انتخابات ریاست جمهوری نزدیکتر میشویم ، به تعداد سمینارها ، کنفرانس ها و جلسات بحث و گفتگو پیرامون وضعیت سیاسی ایران ، انتخابات ریاست جمهوری و چشم انداز آینده ، که توسط احزاب ، سازمانها ، اشخاص و گروه ها و انجمن های مختلف در داخل و خارج کشور تشکیل میگردد، افزوده میشود.

این نشستهای بسیار متنوع ، در عین حال بیانگر یکی از وجوه تمایز انتخابات دورره هفتم با این دوره نیز هست . در دوره گذشته یعنی دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری شور و شوق و جنب و جوشی محسوس در در میان مردم بویژه جوانان مشاهده میشد. بقول معروف تنور انتخابات داغ بود درحالی که در سطح جریانهای سیاسی ، وگرایشات فکری انعکاسی مطلوب نداشت و این بار درست برعکس ، در حلیکه انتخابات با بیعلاقگی و سکون و رکود در میان مردم توأم است اما در میان احزاب سازمانها و گرایشات فکری داخل و خارج، جنب و جوشی وسیع ملاحظه میشود. تجزیه و تحلیل شرایط فعلی و سرنوشت «انتخابات»، اساسی ترین بخش از مباحث ، مناظرات و مصاحبه های رسانه ها و سمینارها را تشکیل میدهند.

در دوره قبل موضع اپوزیسیون تقریباً معلوم و

بقیه در صفحه ۶

آخرین

اطلاعیه های سازمان را از آدرس اینترنت دریافت کنید!

www.fedayi.org

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

گردن کارگران خارجی بیاندازند . بدین ترتیب میبینیم که این تشکل های بظاهر کارگری و وابسته به رژیم چه سؤ استفاده ناجوانمردانه ای از روز جهانی کارگر برعلیه ما کارگران و به نفع سرمایه داران و دولت ارتجاعی حامی آنها میکنند . بنا براین روشن است که هرگونه مشارکت دنباله روانه در این راهپیمائی نه تنها دست آورد تعطیلی اول ماه مه ما را بر باد میدهد، بلکه آنرا تبدیل به دمنوستراسیونی برضد کارگران و اول ماه مه میکنند . پس بی اعتنا به تظاهرات فرمایشی خانه کارگریها به خیابان بیائیم و با طرح شعار ها و مطالبات خود و بویژه با محکوم نمودن هرگونه تبعیض و تعدی به کارگران غیر ایرانی مقیم ایران، توطئه های رژیم را خنثی و روز جهانی کارگر را به روز تجلی واقعی اتحاد رزمنده کارگران تبدیل کنیم.

**فرا خوان ((خانه کارگر))یها را
تحریم و شعار نژاد پرستانه و
ضد کارگری آنها مبنی بر
اخراج و مخالفت با کارگران
خارجی را افشا کنیم !**

کارگران مبارز مردم زحمتکش ایران !

رژیم جمهوری اسلامی برای فرار از نتایج بیش از بیست سال سرکوب و ستم و استثمار و بیش از بیست سال دزدی و چپاول که نتیجه ای جز فقر ، بیکاری و فلاکت برای کارگران و اقشار محروم جامعه نداشته است میخواهد همه این کاسه کوزه ها را بر سر بخشی از کارگران ایران نظیر کارگران افغانی که سالیان متمادی همچون ما هدف استثمار و غارتگری سرمایه داران و رژیم حاکم قرار داشتند بریزند . آنها هدف شان در رفتن از زیر بار مسئولیت فجایعی هستند که بر سر ما کارگرها و مردم آورده اند آنها بجای حمله به مافیای مالی و طبقه آقازاده ها و میلیونر ها که علیرغم دزدی و چپاول میلیاردها دلار از دسترنج مردم و استثمار کارگران حتا از

پرداخت حقوق های عقب افتاده نیز سرباز میزنند . دارند همه تقصیر ها را گردن کارگران باصطلاح خارجی میاندازند در مقابل آنها بایستید و این سیاست ارتجاعی آنها را افشا کنید .

**کارگران بیکار باید از حق
بیکاری متناسب با هزینه
جاری زندگی برخوردار باشند!**



میلیونها کارگر و خانواده آنها را به سیه روزی هرچه بیشتر کشید، نقش اساسی داشتند و آنها در سرکوب خواسته های کارگران مبنی بر حق تشکل مستقل ، حق اعتصاب و نیز ایجاد اختناق در مراکز کارگری مستقیما فعال بوده اند و همچنین رژیم و سرمایه داران برای جلوگیری از حرکت مستقل کارگران در اول ماه مه و همبستگی بین آنان از همین تشکل های به ظاهر کارگری استفاده میکنند ، آنها از طریق این تشکلهای، با طرح شعارهای انحرافی شعارها و مطالبات ما را بی رنگ میکنند و نمیگذارند صدای ما و خواستههای واقعی و میرم ما به گوش دیگران برسد . در ادامه این سیاست است که امسال نیز ، ارگانهای وابسته به رژیم نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی ضمن به فراموشی سپردن ده ها خواسته و مطالبه میرم کارگران ، نظیر ، پرداخت حقوق های عقب افتاده ، قطع اخراجها ، شمول بیمه برای همه کارگران ، حق تشکل و... با طرح سر و دم بریده «حمایت از کارگران پیمانی » شعار نژاد پرستانه و ضد کارگری اخراج کارگران خارجی را میخواهند در اول ماه مه بنام ما کارگران مطرح کنند. شعاری که درست نه تنها ضد انسانی و یک شعار فاشیستی است بلکه شعاریست ضد اول ماه مه، اینها خجالت نمیکشند در روزی که همه میگویند کارگران سراسر جهان متحد شوید و در روزی که سمل و تجلی همبستگی کارگران در سراسر جهان است میخواهند کارگران را برعلیه همدیگر بشورانند . اینها با طرح این شعار ارتجاعی علاوه بر رفتار غیر انسانی با بخشی از ما کارگران، تحت عنوان «کارگر خارجی» میخواهند علت بیکاری و فقر و نداری را که محصول غارت و چپاول و ستم و استثمار نظام حاکم است به

**کارگران پیشرو، جوانان
و
روشنفکران انقلابی !
برنامه ، برنامه عمل ،
شعارها و رهنمودهای
سازمان را
بخوانید و آنها را تکثیر و
توزیع کنید!**

در این مقاله بطور خلاصه و در حدی که حجم نشریه اجازه میدهد و تا حدودی که تکثیر و باز تکثیر آن مشکلی برای شما ایجاد نکند، میخواهیم بگوئیم که چرا ما از کارگران خواستیم که اول ماه مه را مستقل از تظاهرات دولتی و نیمه دولتی و ارگانهای نظیر خانه کارگر و غیره برگزار بکنند ؟

همانطور که میدانید جشن اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و برگزاری جشن و تظاهرات از سوی کارگران در این روز، از طرف رژیم جمهوری اسلامی در ایران ممنوع بود و بعد از مبارزات کارگران و برگزاری این جشن در کارخانه ها و مراکز کارگری بالاخره رژیم قبول کرد که یک روز را بنام روز کارگر تعطیل اعلام کند. ولی نه اول ماه مه! بلکه یکی از روزهای مذهبی را تحت عنوان روزکارگر تعیین کرده بودند. اما این طرح آنها با مخالفت شدید کارگران مواجه شد و بعد از مدتی رژیم بالاخره ناگزیر شد در طرح قانون کار، روز کارگر را بعنوان روز تعطیلی قبول کند . حالا چرا اینها زیربار تعطیلی این روز نمیرفتند ؟ بخاطر اینکه تعطیلی اول ماه مه و تظاهرات و طرح مطالبات کارگران آگاهی و رزمندگی آنها را بالا میبرد و آنها بمشابه یک طبقه به قدرت همبستگی خود آگاهی مییابند و در آنصورت نمیتوانند پراحتی سرکارگران را شیره بمالند و از حق تشکل و تحزب آنها جلوگیری بکنند و خواسته های صنفی و سیاسی آنها را به طاق نسیمان بسپارند. و... برای همین هم آنها بعد از اینکه تشکل های سرکوبگر خود در کارخانه ها را سازماندهی و تثبیت کردند به خیال اینکه رهبری و بود و نبود کارگران را از طریق این ارگانهای بظاهر کارگری در دست خواهند داشت . این سیاست را آنها در کارخانه جاتی که کارگران آنها با پخش شیرینی و میوه در میان خود قبل از به رسمیت شناخته شدن تعطیلی اول ماه مه ، این روز را جشن می گرفتند به مورد اجرا گذاشته بود مثلا آنها سعی میکردند با دخالت دادن مدیریت ، نگذارند کارگران برای برگزاری جشن بین خود تقسیم کار بکنند و یا پول جمع کنند. آنها می گفتند مدیریت این پول را پرداخت میکند و خودشان ترتیب جشن را میدهند» آنها باین طریق حس همبستگی و اتحاد کارگران و اتکا بخودشان را از بین میبردند و جشن را تبدیل به اهرمی جهت تفرقه انداختن بین کارگران مینمودند. بعد از قبول تعطیلی اول ماه مه هم آنها همین سیاست را در ابعاد وسیعتری در پیش گرفتند و تا جایی که میتوانستند از پراکندگی و نبود تشکلهای مستقل کارگری استفاده کردند و در به سازش کشاندن مبارزات کارگری و در تعدیل مطالبات و حتا در سرکوب کارگران از این تشکلهای سود جستند و از جمله آنها در جریان لغو شمولیت قانون کار برای کارگاه های کوچک که

معیارهای با ننگ جهانی و صندوق بین المللی پول، تنش زدائی در منطقه بویژه با کشورهای همسایه، عدم دفاع از تروریسم، ۲- ایجاد آنچه فضا سیاسی اجتماعی که گردش سرمایه و رقابت آنرا تضمین کند و سرانجام فرونشاندن اعتراضات عمومی و جلوگیری از رادیکالیزه شدن آن و کشانده شدنش به سوی یک انقلاب همه جانبه اینها میشود گفت حداقل هائی بودند که برای برون رفت از وضعیت بحرانی در آن مقطع که میبایست برای اجرایش راه حل پیدا میکردند.

البته در دوره رفسنجانی که خود از سرمایه داران بزرگ ایران است زمینه های سیاسی این تحولات ایجاد شده بود از جمله آزادی انتقاد و طرح برخی مسائل در چهارچوب نشریات وابسته جناح های داخل حاکمیت ایجاد جریانات نیمه حزبی مثل کارگزاران و غیره ایجاد تغییرات ساختاری در این گروهها و مبنی شدن گرایشات به برنامه های سیاسی و اقتصادی و در این زمینه تاحدودی مدون شدن برنامه های اقتصادی و سیاسی جناح ها و شکل نسبتا حزبی پیدا کردن آنها تاحدودی که بتوانند گرایشات مختلف طبقه متمول جامعه را نمایندگی کنند.

اینها پیش زمینه و اهدافی بودند که جریان دوم خرداد را در ظرفیت کل رژیم قلاب زد و خاتمی با طرح شعارهائی که مردم بویژه جوانان کورسوتی از خواست هایشان را در آنها متبلور میدیدند توانست با بیست میلیون رای به ریاست جمهوری برگزیده شود.

انتخاب خاتمی با بیست میلیون رای از میان چهار کاندید مورد تأیید و قبلا برگزیده رژیم در نظامی کنترل شونده ضمن بوجود آوردن انتظارات زیادی در میان مردم بویژه نسل جوان، و ایجاد تغییرات محسوس در تناسب قوای دو جناح اصلی رژیم این اسکان و شانس را بوجود آورد تا رژیم و دولتی که مترصد تغییراتی بودند تا روابط تجاری و دیپلماتیک عادی خود را با جمهوری اسلامی برقرار و از غارت و چپاول مردم و منابع طبیعی سهم خودشان راببرند به برخی از اهدافشان برسند.

یعنی در خلال این چهارسال، یک رژیم رسوا در سطح بین المللی که رهبران آن تحت تعقیب بودند در افکار عمومی به یک رژیم مشروع و قانونی در حال گزار به دموکراسی و مدنیت تبدیل کردند و یا اینگونه جلوه دادند، رژیمی که هرگونه کورسوتی از آزادی را در داخل سرکوب میکند و گفتگو که هیچ، هرگونه اظهار نظر مخالف را سرکوب میکند ولو از مهره های اصلی خود شان هم بوده باشد و حتی رهبران احزابی را که متعهد به قانون اساسی آن هستند، بدلیل طرح برخی انتقادات میگیرد و زندان میکند و سر به



به هر حال روند چهار ساله ریاست جمهوری خاتمی نتایج متناقضی برای طرفداران و رای دهندگان اش به بار آورده است، یکطرف سرکوب، گزائی، بیکاری، بیمسکنی، اعتیاد، فحشا زندان و شکنجه ادامه دارد و از طرف دیگر ظاهرا حضور خاتمی و برنامه اصلاحی او با سیاست گذاری کلان در جمهوری اسلامی تطابق پیدا کرده است. این قضیه هم ابهامات در داخل را تشدید کرده و هم تنش در خارج و در میان نیروهای مخالف را دامن زد. بگذارید قدری به گذشته برگردیم.

همانطور که میدانید چهار سال قبل، در مقطعی که انتخابات ریاست جمهوری میخواست برگزار شود رژیم جمهوری اسلامی هم از لحاظ داخلی و هم در سطح جهان بویژه کشورهای اروپا و امریکا در یکی از بدترین مقاطع تاریخی خودش قرار داشت. از لحاظ داخلی اوضاع اقتصادی در نتیجه سیاست تعدیل اقتصادی رفسنجانی نه تنها بهبود نیافته بود بلکه بدلیل بروز برخی تغییرات در ساختار قبلی آن با مشکلات و بحرانهای جدیدی مواجه بود، نسل جوان دانشجویان، زنان، کارگران، و زحمتکشان که خواستار کار، مسکن، آزادی بودند بویژه نسل جوان تحصیلکرده جوئی کار و یک زندگی انسانی با سد سدید محدودیت های نظام حاکم و بویژه محدودیت های حکومت مذهبی مواجه بود. در کنار معضلات داخلی رسوائی بیسابقه رژیم در نزد افکار عمومی مترقی جهان بویژه بعد از دادگاه میکونوس به حدی رسیده بود که هیچ دولتی از ترس افکار عمومی حاضر به برقراری یک رابطه آشکار نبودند. مجموعه وضعیتی که برش مردم کلا ساختار سیاسی و بنیانهای اقتصادی ایران را با گره گاه هائی مواجه کرده بود که بدون گشودن آنها خطرات مهیبی ادامه حیاتش را تهدید میکرد. بطوری که ادامه وضع سابق حقیقتا غیر ممکن مینمود.

بنا بر این میشود گفت که هم رهبران رژیم و هم سیاستمداران غرب از جمله صندوق بین المللی پول بعلاوه طبقه سرمایه دار ایران بویژه طبقه تازه بدوران رسیده در مجموع ضرورت این تحول را احساس میکردند. و الویتهای آنرا تشخیص میدادند.

کمترین شروط عبارت بود از ایجاد رابطه متقابل با دنیای سرمایه داری، پذیرش ایجاد زمینه های پیاده کردن

بنا به داده های دوران قبلی طراحی شده بود. یکسری در موضع تحریم قرار داشتند و یکسری هم از همان اول نظرشان شرکت بود و یک سری هم که معمولا موضعی وسط داند موضع وسط گرفتند. یعنی همه چیز بروال سابق پیش رفت، این تنها بعد از انتخابات و شمارش آرا بود که شک و تردیدها شروع شد بویژه برای خیلی ها که با دید سطحی «انتخابات» را تحریم کرده بودند، حضور سی و دو میلیون نفر در پای صندوق ها و انتخاب خاتمی با بیست میلیون رای، یک شوک بود.

از این به بعد تلاش کردند به نوعی توجیه کنند که نه خیر بیست میلیون رای به خاتمی رای «نه» به کل نظام بود و بقدری مردم بیسازمان پراکنده و از نقطه نظر منافع طبقاتی بسیار متضاد را تقدیس کردند که تو گوئی این مردم با وجود فقدان تحزب و تشکل و آزادی که آگاهی متناسب با خودش را هم به همراه دارد، ان چنان ریز مسائل را نشسته با هم تحلیل و هماننگ کرده اند که اساسا سازمانیافته ترین احزاب در این جا در غرب هم قادر به آن نبوده اند و نیستند و گاه آنچه آمارهای با تأکید اما بدون سند، از نظریات و طرز فکر مردم ارائه میشد که در اینجا در غرب برای دانستن تنها حد متوسط آن، ده ها نمونه آمار گیری میکنند تا بفهمند که فلان فرد و یا حزب دارای چه محبوبیتی است، انسان یک لحظه فکر میکرد که برآستی چه نیاز به حزب در این مملکت است! حالا که انبوه بی شکل مردم از هر حزبی پخته تر و دست بکارترند و واقعا چه نیازی به تحزب و تشکل است؟ و برخی از جریانات دیگر بقدری دچار تزلزل و از خود بیگانگی شدند که بعد از آن برای چهران مافات، اساسا در هر انتخاباتی در این رژیم شرکت کردند. با وجود اینکه میدانستند نهادن نام «انتخابات» به این شعبده بازی در قرن بیست و یکم یک عوامفریبی آشکار است و در این راه حقیقتا به سنت شدن نوع اسلامی «آزادی» یعنی ضد آزادی، چه خدمتها که نکردند، باشد عیبی ندارد بگذار مردم چشمشان را باز بکنند همین را ببینند. مثل خیلی چیزهای دیگر که برای ما سنت است و با آن مدارامیکتیم و به ش عادت کرده ایم.

اکنون که این درخت به بر نشسته و این چهارسال رو به اتمام است، آقایان در تناقض میان نتیجه و چشم انداز مانده اند، بعضی حا تحریم را پیشه کردند، برخی ها ای بگی و نگی طوری برخورد میکنند که در آینده هم بشود گفت تحریم کرده ایم و هم نه، یکسری برای اینکه به شفافیت برسند در درونشان اختلاف به حد انشعاب رسید. اکنون تماما در تلاشند تا تئوری های جدید را در قالب واقعیت بزور هم که شده پرس بکنند. معلوم نیست که بر چه اساسی در دوره قبل تحریم نکردند امروز تحریم میکنند؟ و اگر دوره قبل تحریم کردند چرا این دوره شرکت میکنند؟

نیست مینماید، به مبتکر گفتگوی تمدنها تبدیل میشود، رژیمی که نویسنندگان را به قتل میرساند رسول فرهنگ و هنر و هنرپرور معرفی گردید. رابطه با کشورهای غربی برقرار شد که هیچ بلکه دول غربی برای ایجاد رابطه و بستن قراردادها ملی و تجاری، باهم کورس گذاشتند. بدینطریق موانع قبلی رابطه باغرب برداشته شد وبا بستن قراردادهای کلان اقتصادی پشتیبانی سرمایه جهانی، و در داخل نیز اینها تلاش کردند همچنان نه تنها پشتیبانی طبقه متوسط را بطور کامل بدست آورند و آنها را از طریق واگذاری سهل موسسات دولتی و امکانات مالی و بانکی و غیره تقویت کنند بلکه برای جلب پشتیبانی اقشار نسبتا مرفه خرده بورژوازی قانون خارج کردن کارگاه های کوچک از شمول قانون کار را تصویب و همچنان پابرجانگهداشتند. با انتخابات مستعجل شوراها در واقع بر آن شدند تا با حذف ارگانهای متعدد واسطه های مورد اعتراض خرده مالکان روستاها آنها را به نیروی اجتماعی خود تبدیل کرده و از تاثیرات جنبش رادیکال دانشجویان و کارگران برحذر دارند. با افزایش درآمد نفت ادامه سیاست خصوصی سازی و ایجاد محدودیتهایی برای انحصارات دولتی و بنیادها، آزاد گذاشتن دست برخی نشریات وابسته، امکان رقابت بین طبقه بالا را فراهم ساختند.

در عین حال بنحو بیشزمانه ای و عالم آشکار به سرکوب نویسندگان، دانشجویان، کارگران، زحمتکشان محلات و زنان که زیر فشار اقتصادی و سیاسی ناچار از اعتراضات رادیکال بوند، ادامه دادند البته بیهوده بود اگر کسی انتظار میداشت از آنهائی که با شعار قانونگرایی و مدنیت و مردمسالاری دینی توهم مردم را برانگیخته و پشتیبانی آنها را بدست آورده بودند، و خود مجری سیاست های بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول وابسته به مافیای قدرت و ثروت هستند از حقوق مردم مدافعه کنند. کسانیکه مخالفت با قانون اساسی ارتجاعی را خیانت میدانند غیر از خود دیگران راهم به تمکین به قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی دعوت میکنند، سنگسار، قطع دست و پا شکنجه اعدام وده ها قانون ارتجاعی و ضدانسانی دیگر را تحت لوای قانونیت و قانونگرایی تقدیس میکنند، از حقوق دموکراتیک مردم و آزادیهای انسانی و عدالت اجتماعی که موضوع مبارزه و اساس مطالبات سیاسی و اقتصادی اکثریت اهالی کشور راتشکیل میدهد مدافعه کنند بعد از چهار سال، اکنون با یک نگاه سطحی میتوان گفت که حتا نشریات قبل از دوم خرداد هم بسته شده اند دانشجویان در زندانند، روزنامه نگاران خودی شان هم آزاد نیستند، بخش زیادی از جوانان ناامید شده اند گریز به خارج از کشور ابعادی فراتر از دوره های قبل بخود

گرفته است. بخش مهمی به اعتماد روی آورده اند توده های مردم در وضعیت اسفناکی به سر میبرند. بیکاری گرانی، اعتماد، فحشا، فقدان آزادیهای سیاسی نمود های بارز وضعیت حاضر هستند.

بدین ترتیب صف بندی های مقطع دوم خرداد ۷۶ تغییرات محسوسی پیدا کرده است از لحاظ داخلی با توجه به تمامی تغییراتی که در سطح جهان و ایران صورت گرفته، بخش مهمی از بورژوازی تجاری سنتی به سرمایه گزاری در راستای سیاست سرمایه جهانی متقاعد شده، بنا براین انسجام نسبی بورژوازی ایران و تلاش آن در جهت ایفای رل موثر و مهم در منطقه در چهار چوب سیاست بین المللی که باتلاش جهت پیاده کردن تدریجی رهنمود های صندوق بین المللی پول و ادامه خصوصی سازی و حضور وسیع شرکت های خارجی توأم است فشار به طبقه کارگر و حقوق بگیران و سایر محرومین جامعه را افزایش داده و آنها را به اعتراضات مستقل سوق میدهد و همین شکاف در جنبش دانشجویی را که موتور قوی دوم خردادی ها در مقطع انتخابات قبلی بود دامن زده، جنبش کارگری از حالت اقتصادی تدافعی دارد به تلفیق مبارزات اقتصادی و سیاسی و نیز اشکال رادیکال تر و تعرضی تر مبارزه پا میگذازد. فشار به خرده بورژوازی پائین و کسبه جز، بخاطر بیکاری عدم پرداخت حقوق ها و در مجموع پائین آمدن قدرت خرید مردم، به سمت اعتراض و مبارزه سوق داده است در حالیکه امید واریهای اولیه را بریاد رفته میبیند.

در طرف دیگر اکنون اکثریت مردم قرار دارند، یعنی کارگران، زحمتکشان محلات روستاها، و دانشجویان، دانش آموزان و زنان و جوانان روشنفکران احزاب و سازمانهایی که از منافع این اقشار و طبقات دفاع میکنند. بنا براین اوضاع اقتصادی سیاسی و اجتماعی ایران نشان میدهد طبقه مسلط یعنی آن ده پانزده درصدی که مافیای قدرت و ثروت را تشکیل میدهند و سرمایه جهانی در مجموع میخواهد چهار سال گذشته طی شود یعنی اصلاحاتی کنترشده در راستای تلفیق با استراتژی سرمایه فراملیتی و در عین حال سرکوب و محار جنبش های رادیکال که از این پس بموازات پیاده شدن رهنمود های صندوق بین المللی پول بروز خواهد کرد و نیز حفظ رژیم متمرکز با پوشش سیاسی که با جوهر اجتماعی و اقتصادی ایران مطابقت داشته باشد. بنا بر این مجموعه رژیم باین سیاست ادامه خواهد داد. و در ادامه این سیاست آنها همانطور که گفتم حمایت طبقه ثروتمند جامعه و تا حدودی طبقه متوسط و بخشی از تکنوکراتها و بوروکراتها منظور مدیران و مهندسیان ارشد را باخود خواهند داشت همانطور بخش زیادی از تبعیدیان و مهاجرین و سیاسیون که بعد ده بیست سال تحصیلات شان را به پایان رسانده

و چشم انداز رسیدن به طبقه بالا در ایران برایشان ملموس تر از یافتن کار در اینجاست. چون همه اینها در غارت و چپاول و ستم و استثمار نفع میبرند مشکلات فرهنگی و تفریحی که البته ندارند هم اکنون بهترین و بیشترین امکاناتی که در اروپا یافت نمیشود برای پولدارهای ایران مهیاست از آن گذشته تمامی این کمبود ها را با مسافرت به خوش آب و هواترین نقاط جهان جبران میکنند همه اینها در چها چوب این رژیم برای ثروتمندان قابل حل است.

سرمایه جهانی نیز بویژه با این سرمایه گذاریهای کلانی که طی این سالها صورت گرفته این روند را تاحدودی بی بازگشت کرده است و از طرفی با توجه به موقعیت حساس ایران نمیخواهد تنش های ناشی از پیاده کردن سیاست آنها در کشور هائی نظیر اندونزی و کره در این جا نیز تکرار شود، جایی که به آتشفشانی در منطقه میماند بنا براین آنها استراتژی حمایت از خاتمی و برنامه کل رژیم در چهار سال گذشته را موفق میدانند و با این روند موافقت. پس تنها کسانی که از این روند مزور خواهند شد و در اعتراض به این بی عدالتی به میدان خواهند آمد همانا اکثریت مردم یعنی کارگران، زحمتکشان هستند اینها هستند که زیر مهمیز قطع سوبسید ها، خصوصی سازیها، اخراجهای دسته جمعی قطع تامینات اجتماعی زیر فشار طاقت فرسا سرمایه داخلی و جهانی خورد خواهند شد بدست به اعتراض و اعتصاب خواهند زد. اقشار مختلف مردم جوانان و دانشجویان حقوق بگیران جز ناگزیر باین مبارزات خواهند پیوست آنوقت سرمایه داری داخلی و شرکت های چند ملیتی باز هم از همین ها که طی این چهار سال تلاش کردند تا مبارزات و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را در درون باصطلاح یک جنبش اصلاح طلبی دینی در دستگاه ولایت فقیه به صلابه بکشند، را لازم خواهند داشت از همه چیز گذشته حداقل تا وقتی که نظام سرمایه داری انحصاری بورکراتیک و ارتجاعی ایران بر پایه ای سست استوار است و با کوچکترین تنش و بحران ممکن است فروبریزد برای سرکوب اکثریت بدست اقلیت نیاز به سرنیزه و تمرکز خواهد بود.

پس برمیگردیم به سوال شما اگر آزادیهای فردی و اجتماعی مفهومی آزادی برای تحزب و تشکل و حق اعتصاب و اعتراض و آزادی قلم و اندیشه ای ست که اقلیت اکثریت نشناسد.

اگر منظور از آزادی زندانیان سیاسی عقیدتی، رهبران سیاسی، پیشروان جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه اکثریت اهالی این مملکت است که بیش از صد سال است در این راه مبارزه میکنند آنوقت مطمئن باشید که در این رژیم وضعیت شان از آنچه که بوده بهتر

بقیه از صفحه ۱

اطلاع خوانندگان نشریه میرسانیم و در خاتمه برداشت و نظر خودمان را پیرامون آن ارائه خواهیم داد.

کنفرانس روز جمعه با سخنان هایدو درآگاهی افتتاح شد. سپس ماریا پیا، یکی از زنان مبارز سوئد پیرامون، فمینیسم و حقوق زنان، سخنرانی کرد. او که بیش از چهارده کتاب و تعداد زیادی مقاله و گزارش در مورد مسائل اجتماعی و حقوق زنان به رشته تحریر در آورده است از بنیانگذاران اصلی جنبش زنان در دهه نود در سوئد میباشد. او در سخنرانی خود از جمله اظهار داشت: «اینکه سازمان ملل سوئد را بعنوان بالاترین رعایت کننده حقوق زنان در دنیا معرفی کرده است هم مایه مباهات است و هم مایه تاسف، چرا که اگر سوئد برابرترین جای دنیا در مورد حقوق زنان باشد پس ما زنان راه درازی برای موفقیت در پیش روی داریم. او اشاره کرد که پدرسالاری یک هرمی است که در راس آن پولدارها قرار دارند و مردانی که کنترل پول و ثروت را در دست دارند او اضافه میکند که جهانی شدن دیگر گردش پول و سرمایه در سراسر جهان نیست بلکه فمینیسم هم جهانی است و ما همه باهم جهان را تغییر خواهیم داد» پس از پایان سخنرانی ماریا. در میان تشویق و کف زدن پرشور حاضرین لوح یاد بود توسط گلنار امین، به بانوی برگزیده سال، خانم مکرمه قنبری نقاش که از ایران آمده بود و مجموعه زیبایی از کارهای خود را در کنار کنفرانس به معرض نمایش گذاشته بود، اهدا شد.

بعد از این مراسم میزگرد زنان نسل دوم برگزار شد که در آن «سپیده زرین پناه» و «شادی صدر» (هر دو روزنامه نگار از ایران) و راشین فروتن از سوئد برگزار شد.

در این میزگرد سپیده زرین پناه متولد کرج در ۱۹۷۰ و شاغل در روزنامه هائی نظیر گزارش روز، آفتاب امروز، پیام آزادی، بهار، آفتاب یزد و همکار کنونی دوران امروز، از وضعیت زنان در ایران سخن گفت و او معتقد بود که در دهه سوم انقلاب با یک قشر زنان مواجه هستیم که کار و فعالیت اشتغال دارند و پا به پای همسران شان در فعالیت های اجتماعی مشارکت میکنند و این به تغییرات مثبت در وضعیت زنان جامعه منجر خواهد شد.

بعد از او شادی صدر متولد تهران ۱۹۷۰ همکار ماهنامه «سروش نوجوان» «همشهری» «آفتاب گردان» «زن» و «صبح امروز» رشته سخن را بدست گرفت او نیز در مشارکت زنان ایرانی در فعالیت های اجتماعی در جمهوری اسلامی را زمینه اصلاحات حقوقی در رابطه با بهبود وضعیت زنان ارزیابی کرد که هر دو با سوالات متعدد حضار مواجه شدند. از آنها در باره آمار سنگسار، طلاق، خودکشی، اعتیاد، فرار از خانه، کشتن شدن زنان به فحشا و.. پرسیدند و نظرات آنها را مورد چون و چرا قرار دادند.

سپس نوبت به راشین فروتن رسید وی که نوزده سال دارد از شش سالگی در سوئد زندگی میکند او در باره زنان خارجی تبار و از جمله تجربه خودش

در سوئد سخن گفت و مبارزه برای احقاق حقوق زنان را امری سراسری و جهانی میدانست.

در پایان برنامه های روز جمعه معرفی لباسهای محلی زنان ایرانی توسط گیسو شاکری ارائه شد که در این بخش به نمایش لباسهای قشنگ محلی پرداخته شد.

آخرین برنامه در این روز نمایش تئاتر «روایهای آبی زنان خاکستری» به کارگردانی نیلوفر بیضائی و بازیگری ژاله شعاری و پروانه حمیدی بود که با بحث و گفتگو پیرامون تئاتر با حضور کارگردان و بازیگران تا پاسی از شب ادامه یافت.

به دلیل کمبود جا، گزارش روزهای دوم و سوم کنفرانس را با تفصیل بیشتری به ضمیمه متن برخی از سخنرانیها، در شماره بعدی خواهید خواند.

بقیه از صفحه ۶

خصوصی نیز بمنظور تصفیه کارگران و استخدام کارگران قراردادی و مورد تأیید خود، این سیاست را با شدت تمام دنبال میکنند کارگران راه و چاره دیگری ندارند جز اینکه با شناختن و شناساندن سیاست سرمایه داران و دولت همه کارگران را بر علیه این سیاست بسیج کنند و با سازماندهی مبارزه ای متحد دست دولت و سرمایه داران را مجبور به عقب نشینی کنند. روشن است که تنها به تجمعات اعتراضی درون کارخانه نباید اکتفا کرد، بلکه لازم است با برگزاری اعتصاب تظاهراتی افکار عمومی را در جریان آنچه که در کارخانه ها و مراکز صنعتی میگذرد قرار دهند.

۲ اخبار اعتراضات کارگری

۳۱-۳-۸۰

جمع مجدد کارگران تخته سه لائی ساری در مقابل استانداری صاحبان کارخانه تخته سه لائی ساری ۲۰ ماه است که کارخانه را به حالت تعطیل در آورده و از پرداخت حقوق و مزایای کارگران سرباز میزنند. کارگران در این اجتماع خاهان حقوق معوقه و فعالیت مجدد کارخانه شدند.

تجمع اعتراضی کارگران

جامکودر مقابل مجلس

ارتجاع!

کارگران عزیز، وضعیت روبه وخامت را دریابید!

طی همین هفته گذشته، چندین کارخانه و مراکز کارگری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا و نیز در اعتراض به وضعیت ناپهناجار محیط کار و رکود حاکم بر کارخانه جات، دست به تحصن،

راهپیمائی و اعتصاب تظاهراتی زدند. هنوز اعتراضات کارگران کارخانه های چیت ری، تخته سه لائی و ناسیونال و غیره که در هفته گذشته دست به تجمعات اعتراضی زده بودند به نتیجه مطلوب نرسیده است که امروز صبح کارگران جامکو در پی عدم رسیدگی مسئولین به خواست هایشان دست به تجمع اعتراضی در برابر مجلس زدند.



بقیه از صفحه ۴

نخواهد شد فقط با پیشرفت مبارزه و گسترش آن است که تغفیر در این وضعیت ممکن خواهد بود.

اما اگر منظور از آزادیهای فردی و اجتماعی آزادی برای مافیای قدرت و ثروت و آزادی تحزب و تشکل برای طبقات داراست که آنها همین حالا هم از این آزادی بهره مندند و اگر زندانیان عقیدتی سیاسی همین اصلاح طلبان مذهبی و ملی مذهبی هائی هستند که خود را به قانون اساسی و تبعات آن متعهد میدانند و تنها خواستار تغییراتی جزئی در آن هستند و در نتیجه جنگ قدرت در زندان نگهداشته میشوند نگران نباشید این ها بعد از خوابیدن گرد و خاک ها آزاد خواهند شد. اما در چهار چوب این رژیم و این نظام انتظار استقرار مردمسالاری و تبلیغ آن فقط میتواند راه گسترش مبارزات مردم و استقرار آزادی را سد کند و حکومت دینی در کشور ما را مثل خیلی چیزهای دیگر به یک سنت جا افتاده حداقل برای مدتی نه چندان کوتاه تبدیل کند. برای این که در ایران زندانی سیاسی نداشته باشیم برای اینکه آزادیهای فردی و اجتماعی بدون قید و شرط برقرار گردد باید این رژیم بزیر کشیده شود و مردم خود سرنوشت خویش را در دست بگیرند. و در این راه بورژوازی فاسد، ارتجاعی و مذهبی، زن ستیز و زندگی برباد ده ایران، با تمام دم و دستگاه ولایت و وکالت اش مهمترین مانع استقرار آزادی و عدالت اجتماعی محسوب میگردد. اکثریت مردم ایران که توسط این اقلیت استثمارگر و سرکوبگر به خاک سیاه نشاندن شده اند باید دشمن خود را خوب بشناسند و گول قیر و قمیزهای او را نخورند و ناگزیر همخواهند شناخت، دیو هزار سری که از انقلاب مشروطیت به این سوی به هزار چهره در آمده تا جلوی استقرار آزادی و برابری در ایران را سد کند.

به نظر من ایران به تحولی نو نیاز دارد بگمانم نطفه نامشهود این تحول نو در دهلیز های تاریک کاخ ستم و استثمار و در جریان مبارزات صد ساله مردم کارگر و زحمتکش ایران رشد کرده است و طولی نخواهد کشید تا با بانگی رسا متولد شود.



مروری بر مهمترین رویدادهای ایران

در دو هفته ای که گذشت

پنجشنبه ۲۴ خرداد

بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران کفش شادان پوش به جمع کارگران چیت ری پیوستند و در مقابل مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان در مقابل مجلس به شعار دادن علیه بنیاد مستضعفان پرداختند و خواستار دریافت حقوق های معوق خود و همچنین بازگشت به کار شدند.

در پی گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران نسبت به اجحافات سرمایه داران و دولت، کارگران کوه فرد اصفهان (ناسیونال سابق) نیز از دیروز دست به تجمع اعتراضی در برابر کارخانه زده و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و رسیدگی به وضعیت کارخانه شدند.

کارخانه ناسیونال که در حالت عادی با ظرفیت ۲۰۰ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید و ۵۰ دستگاه تلویزیون رنگی در روز کار میکند. هم اکنون مثل سایر کارخانه های مشابه با رکود مواجه است و مدیریت با بالا کشیدن منابع مالی شرکت و عدم تامین مواد اولیه، عملاً کارخانه را به تعطیلی کشانده است و به همین بهانه هم کارگران را برای ترک کار و قبول اخراج و باز خرید مجبور میسازد. این البته سیاستی است که هم اکنون توسط دولت و سرمایه داران در اغلب کارخانه ها در پیش گرفته شده است تا زمینه های وا گذاری آنها را به بخش خصوصی فراهم نمایند و مدیران بخش

بقیه در صفحه ۵

**آدرسها و شماره فاکس
تماس با سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست
kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/
Sweden**

**فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571**

**آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org**

بقیه از صفحه ۱

حساب شده این گفتگو بود که بعد از برگزاری نیز کاملاً بر همگان مشخص شد که این لیبرال مآبی سوتدیمها نیز جوابگوی خواستهای تظاهرات کنندگان که نظم سرمایه داری را زیر سؤال بردند نبود و بقول معروف دست از پا درازتر بار دیگر با این واقعیت تلخ مواجه شدند که معضلات موجود که خود برآمده از سیستم نابرابر سرمایه داری است توسط گفتگو با سرمایه داران و یا نمایندگان آنها حل نخواهد شد و باید چاره های دگر جست. تظاهرات گوتنبرگ با اینکه ادامه سری تظاهرات و اعتراضات در علیه جهانی شدن سرمایه و عواقب آن بود اما یک گام به پیش نیز باید محسوب شود. تعداد عظیم شرکت کنندگان که گاه به بیش از بیست هزار نفر میرسید، مقابله بی مهابای جوانان با پلیس با اینکه پلیس قبل از شروع تظاهرات آنها را در محاصره گرفته بود همه و همه خبر از دگرگونی در مقابله مردم با پلیس داشت. چند روز فضای مه آلود دمکراسی غربی گوتنبرگ شاهد خط کشی واضح و رودرروئی مستقیم مردم با پلیس سرمایه بود.

درسمای گوتنبرگ درسهای آموزنده ایست برای آینده، مقابله خشن پلیس سوئد که طبیعتاً در آینده خشن تر مجهز تر و قاطع تر خواهد بود تاکیدی بر ضرورت سازمانیافتگی منظم تر معترضان است. دمکراسی متقلب سوئدی بیشتر ضرورت هوشیاری نهادها و سازمانهای فعال را طلب میکند. ۱۵ تا ۱۷ ژوئن خط بطلانی بر چهره دمکراسی غربی و خصوصاً سوئدی بود که ماهها در تدارک برای ایجاد انحراف و شکاف و حل کردن جنبش معترضان در سوسیال دمکراسی و کاستن رادیکالیسم آن بود. مدیای سوئد و جهان نیز با تمام تلاش خود نتوانستند مانع از رشد اعتراضات و قلب جلوه دادن واقعیات گردند و اخبار و گزارشات اعتراضات از طرق مختلف به همه جهان و همگی علاقه مندان که مسائل را دنبال میکردند رسید. جنبش جهانی علیه سرمایه داری در گوتنبرگ جان تازه ای گرفت و میرود که جایگاه خود در مبارزه با نظم سرمایه داری بیابد.

به پیش در جهت برچیدن نظام پوسیده سرمایه داری،
پیش بسوی سوسیالیسم

برنامه آزمایشی رادیو سازمان
رادیو فدائی
صدای کارگران. فریاد زحمتکشان!
آغاز به کار کرد
www.fedayi.org

**مراسم ها و سخنرانیها بمناسبت
اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی
کارگر! و (انتخابات ریاست
جمهوری) با مشارکت
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست!**

**سینار سخنرانی و بحث و گفتگو دربرلین ۲۸ آوریل
شرکت کنندگان
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
حزب کمونیست کارگری،
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سازمان فدائیان اکثریت
حزب توده ایران
یاسمین میظر از دانشگاه گلاسگو
البرت سهراییان از فعالین جنبش کارگری
ایران.**

**جلسه بحث و گفتگو پیرامون (انتخابات ریاست
جمهوری) و چشم انداز تحولات در ایران
هلد روزهای پنجم و ششم می**

**شرکت کنندگان
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
کومله
فدائیان اکثریت
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر
جبهه ملی ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
حزب دموکرات کردستان ایران**

**میزگرد حول اوضاع سیاسی ایران
ووضایف ما آلمان فرانکفورت ۱۲ می**

**شرکت کنندگان
سازمان فدائیان کمونیست
حزب دموکرات کردستان ایران
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
شورای موقت چپ سوسیالیستی
فدائیان اکثریت
فدائیان خلق ایران**

**JAHAN - E- COMMUNIST
JULY 2001
NO 9**

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم